

ترکیب روش‌های کمی و کیفی:

توهم یا واقعیت^(۱)

رضا همّتی*

تاریخ دریافت: ۸۶/۵/۱۸

تاریخ پذیرش: ۸۷/۳/۵

چکیده

جدل و کشمکش بین پژوهش‌های کمی و کیفی، سابقه بس دیرینه، حتی قبل از کاربرد آن‌ها در حوزه علوم اجتماعی دارد به طوری که طرفداران هر یک در تلاش برای اثبات حقانیت دیدگاه خود بوده اند. سیطره پژوهش‌های کمی که چندین دهه به جریان غالب و بلامنازع روش‌شناسی مبدل شده بود با ظهور جنبش فمینیستی و سایر جریان‌ات اجتماعی و سیاسی، رو به کاستی گذاشت. از همان زمان، شاهد شکل‌گیری علایق اولیه به ترکیب روش‌های کمی و کیفی بوده‌ایم، به طوری که در دهه ۱۹۹۰ با کم‌رنگ شدن این قطب بندی‌ها، روش ترکیبی به صورت روشی مستقل در نوع خود

۱- در تهیه و تدوین این مقاله از مساعدت‌های فکری آقای دکتر ابوعلی ودادهیر و دکتر وحید قاسمی استفاده شد که نگارنده بر خود لازم می‌داند در اینجا از ایشان قدردانی و تشکر نماید.
دانشجوی دوره دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

مطرح شد.

در مقاله حاضر تلاش بر آن است که ابتدا هر یک از رویکردهای کمی و کیفی، اجمالاً معرفی شده و نقاط قوت و ضعف آن‌ها بررسی شود. سپس به تفاوت‌های سه رویکرد بنیادگرایی، وضعیت‌گرایی و عمل‌گرایی در خصوص امکان ترکیب روش‌های کمی و کیفی اشاره می‌شود و نهایتاً معرفی مختصر رویکرد ترکیبی، مفروضات، شیوه‌های ترکیب، مراحل پژوهش ترکیبی و چالش‌های پیش روی موج نوین روش‌شناسی، بخش پایانی مقاله را تشکیل می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: روش کمی، روش کیفی، روش ترکیبی، پوزیتیویسم،

تفسیرگرایی، عمل‌گرایی

مقدمه

مباحث و مناقشه‌های زیادی در طی سالیان گذشته بر سر چیستی «پژوهش علمی» درگرفته است. تفاوت رویکردهای کمی و کیفی در این خصوص از نظر دواس، شورینک و استری دام گاه به جدال تمام عیاری تبدیل شده که هواداران هر یک را به مناقشات قلمی خصومت‌آمیزی (vindictive polemic) وا داشته است (Poggenpole et al, 2006: 408). یکی از پیامدهای نامیمون این مشاجره‌ها، غفلت از پتانسیل‌ها و مزایای نسبی حاصل از ترکیب روش‌های کمی و کیفی است (Sells et al, 1995: 218-199). در حال حاضر بسیاری از محققان از دو دستگی (bifurcation) و قطب‌بندی بین روش‌های کمی و کیفی، ابراز نارضایتی کرده و حمایت روزافزونی از ترکیب آن‌ها در حال شکل‌گیری است (Amaratuga; McEvoy & Richards, 2006; et al, 2002). هر چند بی‌شک از طریق درگیر کردن نقادانه روش‌های کمی و کیفی، فضا و گستره ترکیب و افزایش دقت هر یک از آن‌ها فراهم آمده، با این حال، خطراتی نیز در پی توجهی به تفاوت‌های موجود در پارادایم‌های ذیل هر یک وجود دارد که نباید از نظر دور داشت.

در این مقاله تلاش می‌شود ابتدا مفروضه‌ها و مؤلفه‌های عمده هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی هر یک از رویکردهای کمی و کیفی، به اجمال بررسی شده و دیدگاه هواداران و مخالفان ترکیب این روش‌ها مورد مذاقه قرار گیرد. سپس به معرفی پژوهش

ترکیبی،^(۱) تاریخچه و سیر تکوینی، اهداف و مزیت‌های ترکیب روش‌های کمی و کیفی پرداخته شده و نهایتاً معرفی مختصر برخی از روش‌ها و طرح‌های ترکیبی، فرایند پژوهش ترکیبی و محدودیت‌ها و چالش‌های پیش روی این موج نوین روش‌شناسی، بخش پایانی مقاله حاضر را شکل می‌دهد.

روش‌های کمی

از نظر هالووی و ویلر، پژوهش کمی به مثابه کوششی مستمر، نظام مند و عینی برای بررسی و آزمایش علوم بشری، تولید دانش جدید و ارتقای سطح معرفت علمی بشر در پرتو کار پژوهشی است (عابدی، ۱۳۸۵: ۶۳). پژوهش کمی با این موضوع سر و کار دارد که پدیده‌های مورد مطالعه تا چه اندازه از صفات، ویژگی‌ها و کیفیت‌های مشخصی برخوردار بوده و چه وجوه افتراق و اشتراک و روابط علت و معلولی بین و میان آن‌ها وجود دارد. این پژوهش غالباً مبتنی بر ملاحظات نظری یا تجربی و کمی سازی (اندازه‌گیری) است^(۲) (Labuschagne, 2003: 100). از نظر محققان کمی، تبیین بدون اندازه‌گیری، بی پایه و اساس بوده و تا زمانی که مفاهیم یک نظریه به طور تجربی سنجش و آزمون نشده‌اند، بی‌فایده‌اند (Sells et al, 1995: 201). به عبارت دیگر، در این رهیافت، پژوهش، فرایندی عینی، صوری (formal) و نظام‌مند است که در آن داده‌های عددی برای کمی سازی پدیده‌ها و دستیابی به نتایج مورد نظر به کار می‌رود (Carr, 1994: 716).

رهیافت کمی غالباً با رویکرد پوزیتیویستی^(۳) و تجربه‌گرایی شناخته شده و رابطه

۱ اصطلاحات و تعابیر مختلفی برای ترکیب روش‌های کمی و کیفی وجود دارد برای مثال integrated mixed Method, combined research method. که در مقاله حاضر از اصطلاح «روش ترکیبی» برای ترجمه تعابیر فوق بهره گرفته‌ایم.

۲ نظریه منسوب به ادوارد تورندایک روان‌شناس آمریکایی مبنی بر این که هر چه وجود دارد به صورت کمیّت است و کمیّت را می‌توان اندازه گرفت و یا این گفته لرد کوبن "آنگاه که نمی‌توانید اندازه‌گیری کنید و در قالب عدد بیان کنید معرفت شما ناکافی است و رضایت بخش نیست" بازتاب همین دیدگاه کمی‌گرایانه و پوزیتیویستی است (به نقل از پاک سرشت، ۱۳۸۴: ۱۴).

۳- شایان ذکر است که واژه پوزیتیویسم (positivism) اغلب معادل با تجربه‌گرایی (empiricism) در نظر (ادامه در صفحه بعد)

تنگاتنگی با آن دارد. این رهیافت، مبتنی بر این فرض اساسی است که رفتار انسان می‌تواند بر مبنای واقعیت‌های اجتماعی و به کمک روش‌شناسی‌هایی که از منطق قیاسی علوم طبیعی پیروی می‌کنند، مورد مطالعه قرار گیرد^(۱) (Amaratuga et al, 2000: 17-31). از نظر بارل و مورگان (Burrell & Morgan) پوزیتیویسم نوعی معرفت‌شناسی است که با جستجوی سامان مندی‌ها (regularities) و روابط علی بین عناصر تشکیل دهنده آن، در پی تبیین و پیش‌بینی رخداد‌های جهان اجتماعی است (Krauss, 2005: 761). کولاکوسکی (Kolokowski) پوزیتیویسم را مشتمل بر چند اصل مهم می‌داند:

اصل پدیده‌گرایی (phenomenalism) که بر اساس آن صرفاً بر تجربه تأکید شده و تمام امور انتزاعی باید کنار گذاشته شوند.

اصل نام‌گرایی (nominalism) که واژه‌ها، تعمیم‌ها و امور انتزاعی و مانند آن، پدیده‌های زبان‌شناختی بوده و بینش جدیدی نسبت به جهان اطراف به دست نمی‌دهند.

- جدایی واقعیت‌ها از ارزش‌ها.

- وحدت روش علمی. (همان: ۷۶۱)

رویکرد کمی با الهام از پارادایم پوزیتیویستی از گونه‌ای هستی‌شناسی^(۲) پیروی می‌کند که در آن، دنیای اجتماعی نیز همچون دنیای فیزیکی، واقعی و مستقل از ذهن انسان در نظر گرفته می‌شود. الگوها و نظم‌هایی که در جهان اجتماعی وجود دارند مستقل از چگونگی ادراک یا

گرفته می‌شود ولی بایستی خاطر نشان نمود که پوزیتیویسم یکی از انواع تجربه‌گرایی است و تمام انواع تجربه‌گرایی، الزاماً پوزیتیویستی نیستند برای مثال نظریه اسکینر در روانشناسی و نظریه سامویلسون در اقتصاد با وجود تأیید روش‌های تجربی از نظریه محور بودن تجربه‌گرایی منطقی دوری می‌جویند (Maxim, 1999: 6). از طرف دیگر، خود پوزیتیویسم نیز تعریف مشخصی ندارد و انواع متفاوتی از آن وجود داشته (پوزیتیویسم سنتی، پوزیتیویسم منطقی و...) و توافق اندکی بر سر تعیین مولفه‌های دقیق آن وجود دارد برای مثال هالفینی دوازده نوع پوزیتیویسم را شناسایی کرده است. جورلند (۲۰۰۵: ۱۳۶) نیز معتقد است تعریف این که واقعاً پوزیتیویسم چیست، بسیار مشکل است.

۱- برای مطالعه سیر تکوینی، مولفه‌های اساسی و تفاوت بین پوزیتیویسم، خردگرایی و تجربه‌گرایی به

مقاله جورلند (۲۰۰۵) مراجعه شود.

۲ هستی‌شناسی (ontology) داعیه‌هایی است در مورد ماهیت واقعیت اجتماعی، داعیه‌هایی درباره این که چه چیزی وجود دارد، چگونه به نظر می‌رسد. از چه عناصری تشکیل شده و این عناصر چگونه باهم در تعامل هستند. (Campell & Wasco, 2000)

تفسیری که از آن‌ها بعمل می‌آید، وجود عینی دارند و می‌توان با ابزارهای علمی آن‌ها را کشف نمود. در این رویکرد، هدف از شناخت، توصیف پدیده‌های است که می‌توان آن‌ها را تجربه نمود. بنابراین، شناخت پدیده‌های مافوق تجربی (متافیزیک)، ممکن نیست (Krauss, 2005: 760).

بر مبنای معرفت‌شناسی^(۱) پوزیتیویستی، علم، روشی برای نیل به واقعیت‌ها و فهم جهان، به منظور پیش‌بینی و کنترل آن است. جهان اطراف ما بر مبنای قوانین مشخصی عمل می‌کند و تنها در صورتی که رهیافت خاصی از روش علمی به کار گرفته شود، می‌توان آن‌ها را شناخت. (Ibid: 760) همچنین فرض می‌شود که محقق (شناسا) و پژوهش‌شونده (موضوع شناسایی) هستی‌هایی مستقل از هم هستند، بنابراین، محقق قادر به مطالعه پدیده مورد نظر، بدون تاثیرگذاری یا تاثیر پذیری از آن است (Sale et al, 2002: 44).

به لحاظ روش‌شناسی^(۲) در رویکرد کمی، نظریه‌ها به کمک روش قیاسی آزموده می‌شوند. لذا در اینجا آزمون فرضیه‌های منتج از نظریه‌ها مطرح می‌شود. ارزیابی درستی یا نادرستی فرضیه‌ها بر پایه شواهد تجربی است و تبیین‌هایی برخوردار از پشتوانه تجربی، در صورت تکرار یا آزمایش دوباره، تایید می‌شوند^(۳) (نگاه کنید به سیدامامی، ۱۳۸۴). در حالت کلی، پژوهش کمی برحسب نوعی تجربه‌گرایی حداکثری (extreme of empiricism) تعریف می‌گردد که بر طبق آن نظریه‌ها نه تنها بر حسب میزان تاییدپذیری، بلکه بر حسب کاربردپذیری آن‌ها بر واقعیت‌ها، تصدیق و توجیه می‌شوند (Amaratuga et al, 2002: 22). از سوی دیگر

۱- در معرفت‌شناسی (epistemology) داعیه‌های چون چیستی معرفت، نحوه حصول به معرفت و رابطه بین شناسا و موضوع شناسایی مطرح است. (Campell & Wasco, 2000)

۲- روش‌شناسی (methodology) به معنای مباحث مربوط به چگونگی انجام پژوهش، باید و نبایدها و تحلیل انتقادی روش‌های پژوهش است. روش‌شناسی به معنای منطق پژوهش و چگونگی کسب و توجیه معرفت جدیدی مربوط می‌شود (بلیکی، ۱۳۸۵) طبق نظر دنزین و لینکلن، روش‌شناسی با فرض‌های نظری و انتزعی و قواعدی مرتبط است که اساس و بنیان یک رهیافت پژوهشی خاص را پی‌ریزی می‌کند. روش‌شناسی محقق را راهنمایی می‌کند که چگونه سوال‌های پژوهش‌اش را مطرح کرده و در مورد فرایندها و روش‌های مورد استفاده، تصمیم‌گیری کند. در مقام مقایسه، روش (method) ابزارها و فنون عملی گردآوری و تحلیل داده‌ها است.

۳- اصل تصدیق‌پذیری پوزیتیویست‌های منطقی پس از نقد کوبنده پوپر و اعلام اینکه فرضیه را می‌توان با اطمینان ابطال کرد اما از تصدیق شدن آن‌ها هرگز نمی‌توان اطمینان یافت، تعدیل شده است

برای اینکه بتوان یافته‌ها و نتایج به دست آمده را با اطمینان به جمعیتی انبوه تعمیم داد، نمونه‌ها از طریق تکنیک‌های نمونه‌گیری دقیق انتخاب می‌شوند؛ تکنیک‌هایی که اساساً به منظور حذف منابع بالقوه خطا و افزایش روایی و پایایی طراحی شده‌اند. از جمله روش‌های مرتبط با پارادایم پوزیتیویستی می‌توان به مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌های ساختمند، طرح‌های کنترل شده تصادفی، مصاحبه‌های نظام‌مند و تحلیل آماری داده‌های موثق و رسمی (official data) اشاره نمود (McEvoy & Richards, 2006: 67).

در خصوص نقاط قوت روش‌های کمی می‌توان به مواردی چون اندازه‌گیری، تکرارپذیری، تعمیم‌پذیری، ابطال‌پذیری، عینیت و عدم ارزش داوری، تقلیل‌گرایی، روایی و پایایی بهتر، سریع، اقتصادی و فاصله‌گیری مشاهده‌گر از موضوع مورد مشاهده اشاره نمود (Amaratuga et al, 2002؛ Labuschagne, 2003). با این حال، روش‌های کمی برای بررسی موضوعات پیچیده، ساده‌انگارانه بوده و بیشتر غنای تجارب انسانی در ارزیابی‌های عینی (برای مثال در آیت‌های لیکرت مانند) از بین می‌رود (See Westmarland, 2001؛ Devault, 1996). این روش‌ها به بستر و زمینه افراد مورد مطالعه، حساسیت و توجهی نداشته و در آن، بهای چندانی به فرایندهای فهم و معانی که افراد برای کنش‌های خود قائل هستند داده نمی‌شود. انسان‌ها موجودات منفعل و غیر فکوری در نظر گرفته شده و توانایی تفکر آن‌ها در موقعیت‌های دشوار و عمل بر مبنای آن به ورطه فراموشی سپرده می‌شود.^(۱)

پژوهش کیفی

امروزه پژوهش کیفی (qualitative research) کاربرد روزافزونی در حوزه‌های مختلف تخصصی و دانشگاهی پیدا کرده است. این پژوهش با ریشه ستبر خود در انسان‌شناسی و

۱- از منظر جامعه‌شناسی نیز سی‌رایت میلز خصلت غیر نظری بسیاری از پژوهش‌های کمی که به تجربه‌گرایی انتزاعی معروف است را نقد کرده است. از نظر بلومر نیز تلاش برای ایجاد و برقراری ارتباط و همبستگی بین متغیرها موجب می‌شود این موضوع را فراموش کنیم که این متغیرها توسط افراد مورد مطالعه، تعریف و تفسیر می‌شوند. نهایتاً سیکورل معتقد است انتخاب منطق ریاضی صرف می‌تواند استدلال‌ها و براهین عقل سلیم به کار رفته توسط مشارکت‌جویان را نادیده گیرد. به جای توجه به ساخت اجتماعی معنا، محققان کمی مدعی‌اند که از یک مجموعه از روش‌های مشخص برای تعریف، محاسبه و تجزیه و تحلیل متغیرها بهره می‌گیرند (Silverman, 1998: 4).

جامعه‌شناسی، اتکا به روش‌های کمی برای فهم پدیده‌های انسانی را ناکافی دانسته و به ویژگی‌های ذهنی ناظر بر رفتار انسان‌ها، اهمیت اساسی می‌دهد (Holliday, 2002).^(۱)

پژوهش کیفی، حوزه‌ای از پژوهش در نوع خود بوده و طیفی از واژه‌ها، مفاهیم و مفروضات پیچیده و مرتبط به هم آن را در بر گرفته است. دنزین و لینکلن با وامگیری از نیلسن و دیگران، پژوهش کیفی را حوزه‌ای میان رشته‌ای، فرا رشته‌ای و گاهاً ضد رشته‌ای (counterdisciplinary) تعریف می‌کنند که علوم انسانی، اجتماعی و طبیعی را به هم پیوند می‌زند. از نظر آن‌ها پژوهش کیفی در آن واحد، معانی متفاوتی دارد و ماهیتاً چند پارادایمی است. دست‌اندرکاران این رویکرد، عنایت ویژه‌ای به اهمیت رهیافت چندروشی داشته و خود را متعهد به رویکرد طبیعت‌گرایانه و فهم تفسیری تجارب انسانی می‌دانند. از سوی دیگر، این حوزه ماهیتاً سیاسی بوده و متأثر از مواضع سیاسی و اخلاقی متعددی است (Denzin & Lincoln, 2003: 11).

با این حال، پیدا کردن یک گزاره واضح و شفاف در خصوص این که واقعاً پژوهش کیفی چیست، مشکل است. این امر اساساً به این واقعیت مربوط می‌شود که موضوع، نظریه و روش شناسی در پژوهش کیفی با همدیگر گره خورده‌اند (Amaratunga et al, 2002: 21) و تنوع و پیچیدگی‌های زیادی در پارادایم‌ها، راهبردها و روش‌های پژوهش کیفی وجود دارد (حریری، ۱۳۸۵: ۲). از نظر برایمن (Bryman) هر تعریفی از پژوهش کیفی، اغفال‌کننده (elusive)، مبهم و غیردقیق خواهد بود؛ زیرا واژه کیفی، روش‌های پژوهشی مختلفی را در بر می‌گیرد.^(۲) با این وجود، وی پژوهش کیفی را پژوهش درباره معرفتی می‌داند که خارج از چارچوب تعریف شده

۱- برای مطالعه بیشتر در خصوص پژوهش‌های کیفی، ویژگی‌ها و انواع آن یا اقدام پژوهی با تاکید بر نظریه میدانی به مقاله ذکایی (۱۳۸۱) مراجعه شود.

۲- انواع راهبردهای پژوهش کیفی می‌توان به مطالعه موردی، اقدام پژوهشی، مطالعه دلفی، نظریه زمینه‌ای، قوم‌نگاری، پدیدارشناسی، روش‌شناسی قومی و غیره همچنین از جمله روش‌های گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز می‌توان به مصاحبه، مشاهده، تفسیر اسناد، تحلیل محتوا، هرمنوتیک، تحلیل مکالمه، تحلیل گفتمان اشاره نمود. دنزین و لینکلن (۱۹۹۴) دسته‌بندی بسیار مفیدی انجام داده‌اند که در آن پارادایم‌ها و رویکردهای پژوهش کیفی به دو دسته کیفی طبیعت‌گرا (پساپوزیتیویسم و ریالیسم) و کیفی پیشرو (نظریه انتقادی، سازه‌گرایی، پست‌مدرنیسم و فمینیسم) تقسیم می‌شود با این حال آنها نیز معتقدند که هیچ دسته‌بندی ثابت و مشخصی در خصوص پژوهش کیفی وجود ندارد.

روش علمی و مفروضه‌های استنباط‌های آماری است. از نظر اشتراوس و کوربین (Strauss & Corbine 1385: 17) پژوهش کیفی، نوعی پژوهش است که یافته‌های آن، حاصل روش‌های آماری یا سایر شیوه‌های کمی سازی (quantification) نیست. برنز و گراو (Burns & Grove) نیز پژوهش کیفی را روشی برای کسب معرفت از طریق کشف معانی پدیده‌ها می‌دانند که با استفاده از رویکرد کل‌نگرانه، موجب فهم عمیق پدیده‌های پیچیده می‌شود (عابدی، ۱۳۸۵: ۶۴) در مجموع و به زبان ساده، پژوهش کیفی، روش شناختن و فراگیری درباره تجارب مختلف انسان‌ها از منظر خود آن‌ها است (Vishnevesky & Beanlands, 2004: 234).

به لحاظ پارادایمی، پژوهش کیفی ذیل پارادایم طبیعت‌گرایانه و تفسیرگرایی قرار می‌گیرد که در آن بر روش‌هایی تاکید می‌شود که جهان اجتماعی، ساخته و فهم می‌شود. این رهیافت، طیف گسترده‌ای از رویکردهای فلسفی همچون تعامل‌گرایی نمادین، پدیدارشناسی، روش‌شناسی مردم‌نگارانه و هرمنوتیک را در بر می‌گیرد (McEvoy & Richards, 2006: 67).

از منظر هستی‌شناسی، در پارادایم طبیعت‌گرایانه، هیچ واقعیت بیرونی از پیش تعریف شده‌ای وجود ندارد؛ بلکه واقعیت‌ها به مدد ادراک و برداشت مشارکت جویان ساخته می‌شود. از نظر آن‌ها واقعیت واحد و مجردی جدا از برداشت و ادراک ما وجود ندارد و انسان‌ها می‌توانند تجارب متفاوتی از پدیده‌های واحد داشته باشند (Krauss, 2005: 760). افراد در تلاش برای معنا دادن به زندگی، نظمی بر جهان مورد درک خود اعمال می‌کنند و معانی، منوط به شناخت انسان‌ها است، نه عنصری که خارج از ذهن آن‌ها قرار دارد. اطلاعات با سیستم شناختی انسان‌ها برخورد می‌کنند، غربال می‌شوند، تعبیر و تفسیر می‌شوند، تغییر می‌کنند و شاید توسط دانش شناختی موجود در سیستم آن‌ها طرد شوند. لذا دانش حاصله، دانشی است مخصوص به خود که هدفمندانه ساخته می‌شود (Ibid).

بسیاری از محققان کیفی، با مفروضات معرفت‌شناختی متفاوتی نسبت به محققان کمی کار می‌کنند. برای مثال، بسیاری از محققان کیفی معتقدند که بهترین روش فهم و شناخت هر پدیده، توجه به بستری است که پدیده مذکور در آن قرار گرفته است (کل‌گرایی). لذا برای آگاهی از این که «چه چیزی رخ داده» و یا «جریان از چه قرار است»، وارد شدن به آن بستر و محیط و غرق شدن در جریان آن ضرورت دارد (Krauss, 2005: 759) به همین دلیل، پژوهش کیفی مستلزم تعامل مکرر و طولانی مدت با عرصه عمل (field) و وضعیت زندگی و تحلیل داده‌های

جاری (ongoing) است. این وضعیت در حالت مرسوم، وضعیتی عادی (banal) و طبیعی است و نشانگر زندگی روزمره افراد، گروه‌ها، جوامع انسانی و سازمان‌ها است (Vishnevesky & Beanlands, 2004: 234).

از سوی دیگر، در دیدگاه طبیعت‌گرایانه و تفسیری به لحاظ معرفت‌شناسی، محقق و پژوهش‌شونده آن چنان به هم گره می‌خورند که می‌توان گفت یافته‌های پژوهش، همان آفرینش و تکوین واقعی خود فرایند پژوهش است. از این دیدگاه، شناسا و موضوع شناسایی در طول پژوهش، همدیگر را می‌آفرینند و دانش برآمده از معنای پدیده‌های مورد مطالعه است. محقق برای کسب داده‌ها با موضوع مورد مطالعه در تماس و تعامل است. در فرایند پژوهش، ممکن است محقق و موضوع پژوهش تغییر کنند و معرفت، به بستر و زمان وابسته است (Krauss, 2005: 759). داده‌های کیفی با تاکید بر تجربه واقعی و کنونی افراد برای کشف معنایی که آنها برای حوادث، فرایندها و ساختارهای زندگی خود قایل هستند (برداشت‌ها و فرض‌ها، پیش‌داوری‌ها، پیش‌فرض‌ها و ارتباط این معانی با دنیای اجتماعی پیرامون) تناسب بیشتری دارد. (Holliday, 2002). این داده‌ها با توسل به پرسش‌های مستقیم و توصیف دقیق موقعیت‌ها، حوادث، تعاملات و رفتارهای مشاهده شده، بینش عمیق و جامعی را به دست می‌دهند (Labuschagne, 2003: 100).

با در نظر گرفتن چنین روشی، محققان کیفی به جای انتخاب نمونه‌هایی که معرف جمعیتی خاص باشد، بیشتر تمایل دارند با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری هدفمند (purposive sampling) یا نظری (McEvoy & Richards, 2006: 67) مشارکت جویانی انتخاب کنند که تجارب ارزشمندی درباره موضوع مورد نظر دارند. لذا حجم نمونه به ندرت از قبل تعیین می‌شود و به جای آن، محققان کیفی در تلاش هستند تا آنجایی که فهم کامل و مفصل پدیده‌های مورد بررسی اقتضا می‌کند، نمونه‌های خود را انتخاب کنند^(۱) (Vishnevesky & Richards, 2006).

۱- پتون ۱۶ نوع نمونه‌گیری هدفمند را شناسایی کرده و طبق نظر لینکلن و کوبا، مفیدترین استراتژی در رهیافت طبیعت‌گرایانه، استفاده از استراتژی بیشینه تغییرات (maximum variation sampling) است. در این روش، ضمن توصیف و تشریح مفصل هر نمونه، الگوهای مشترک بین آنها نیز شناسایی می‌شوند. (Hoepfl, 1997) برای مطالعه در خصوص روایی و پایایی در پژوهش‌های کمی و کیفی به (Golafshni, 2003) و (Higginbottom, 2001) مراجعه شود.

(Beanlands, 2004: 234).

در رهیافت کیفی، به لحاظ روش‌شناسی تلاش می‌شود تا به روش استقرایی، داده‌هایی گردآوری شود که می‌تواند منجر به ایجاد نظریه جدیدی گردد.^(۱) بنابراین، فرضیه‌ها از خود داده‌ها منتج شده و آزمون می‌گردند (Amaratuga et al, 2002؛ Holliday, 2002). اعتقاد بر آن است که پذیرش پیشاپیش یک نظریه، نه تنها پژوهشگر را محدود می‌کند، بلکه مانع توجه او به دیدگاه‌ها (voices) و نقطه نظرات کنش‌گران می‌شود. لذا، پژوهشگران کیفی، به پروراندن مفاهیم و نظریه‌ها در فرایند گردآوری داده‌ها علاقه دارند تا آزمون نظریه‌ها (بلیکی، ۱۳۸۵: ۳۲۷).

اگر چه روش‌شناسان کیفی، از کمی‌گرایان به دلیل تبیین‌های تک خطی، تقلیل‌گرایی پارادایمی، عدم توجه به بستر و زمینه پدیده‌های مورد مطالعه، نقد می‌کنند، اما خود نیز با نقدهای چندی همچون عدم تکرارپذیری و تعمیم‌پذیری یافته‌ها مواجهند. (Sells et al, 1995؛ Vishnevesky & Beanlands, 2004) ریچاردز و ریچاردز (Richards & Richrds) محدودیت‌های اصلی روش‌های کیفی را، حجم و میزان داده‌ها، پیچیدگی تحلیل‌ها، جزییات ثبت مقولات و انعطاف‌پذیری و توان (momentum) تحلیل آن بر شمرده‌اند (Amaratuga et al, 2002: 22). یافته‌های کیفی، به روش قابل فهمی ارائه نمی‌شوند، هیچ موضوعی تایید نمی‌شود و اعتبار و اطمینانی به آن‌ها نیست (Sells et al, 1995: 202). ماهیت بسیار ذهنی این رهیافت، نتایج حاصله را به نتایج شخصی و نامتعارفی مبدل می‌سازد که امکان به کارگیری آن‌ها در شرایط خارج از محیط پژوهش دشوار است (Vishnevesky & Beanlands, 2004: 237).

دیدگاه‌های مختلف ناظر بر امکان ترکیب روش‌های کمی و کیفی

بی شک یکی از دلایل دامن زدن به مناقشه‌های پارادایمی روش‌های کمی و کیفی، تاکید زیاد هواداران بر وجوه افتراق این روش‌ها بوده تا وجوه اشتراک (Onwuegbuzie & Leech, 2005: 376). از نظر آنوگیبوزی، مناقشه بین رویکردهای کمی و کیفی، بهبود یافته است؛ زیرا به جای ایجاد وحدت و یکدلی بین محققان این دو حوزه، منجر به جدایی بیشتر آن‌ها شده است.

۱- مثال بارز برای این موضوع، نظریه زمینه‌ای است (مراجعه شود به ذکایی، ۱۳۸۱).

با این حال، خطوط توازی زیادی بین روش‌های کمی و کیفی وجود دارد و بدون هر گونه جانب‌داری می‌توان گفت که تمام پژوهش‌های حوزه علوم اجتماعی در تلاشند تا انسان‌ها و دنیای پیرامون آن‌ها را بفهمند و در این خصوص، تفاوتی بین آن‌ها وجود ندارد. به گفته آبراهام و دزورک، نیز اهداف، حوزه و ماهیت پژوهش، بین روش‌ها و بین پارادایم‌ها یکسان است. اگر تفاوت‌هایی نیز بین محققان کمی و کیفی وجود دارد، به اهداف متفاوت آن‌ها بر نمی‌گردد، بلکه به آن دلیل است که محققان، راهبردهای خود را برای نیل به اهداف، با شیوه‌های متفاوتی به اجرا در آورند (Johenson & Onwuegbuzie, 2004: 15).

از نظر راسمن و ویلسون (۱۹۸۵: ۳۲-۶۲۹) از جنگ بین پارادایم‌های کمی و کیفی، سه مکتب عمده تفکر سر برآوردند: بنیادگرایی (purism)، موقعیت‌گرایی (situationism) و عمل‌گرایی یا پراگماتیست‌ها (pragmatism).

بنیادگرایان روش شناختی (چه کمی و چه کیفی) رویکرد بسیار مطلق‌گرایانه‌ای اتخاذ کرده و به شدت بر روش‌شناسی مورد نظر خود تاکید دارند. بنیادگرایان معتقدند، روش‌های کمی و کیفی، از منظر هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی (axiology)، عبارت‌پردازی (rhetoric)، منطق و اصول، تعمیم‌ها و روابط علی، متفاوتند و امکان هیچ نوع ترکیبی بین آن‌ها وجود ندارد (Onwuegbuzie & Leech, 2005: 376). همچنین، از نظر آن‌ها پیوند اجتناب‌ناپذیر و ضروری بین روش‌شناسی و معرفت‌شناسی وجود دارد و نوع مفروضات معرفت‌شناسی محقق، تعیین‌کننده نوع روش مورد استفاده اوست (Firestone, 1987: 16) و نمی‌توان روش‌های مختلفی از پارادایم‌های متفاوت را بدون توجه به مفروضه‌های معرفت‌شناسی آن‌ها ترکیب نمود. برای مثال، بنیادگرایانی چون اسمیت و اسمیت و هشیوسیز (Heshusius & Smith) مدعی‌اند که رهیافت‌های کمی و کیفی را نمی‌توان و نایستی با همدیگر ترکیب کرد و لذا آن‌ها از مطالعات تک روشی (mono method research) حمایت می‌کنند (Onwuegbuzie & Leech, 2005: 376). بارل و مورگان نیز معتقدند این پارادایم‌ها مانع‌الجمع بوده و ترکیب آن‌ها ممکن نیست (Rossman & Wilson, 1985: 629).

در مقام مقایسه با بنیادگرایان که بیشتر بر مباحث پارادایمی تاکید دارند، موقعیت‌گرایان بر روش‌های پژوهش متمرکزند. موقعیت‌گرایان ضمن اعتقاد به موضع تک روشی اتخاذ شده بنیادگرایان، مدعی‌اند که هر دو روش ارزش و جایگاه خاص خود را دارند. بنابراین از نظر آن‌ها

بسته به نوع موقعیت، برخی پرسش‌های پژوهشی ممکن است محقق را به استفاده از روش‌های کمی و برخی دیگر، به استفاده از روش‌های کیفی ملزم کند^(۱) (همان). از منظر موقعیت‌گرایان، اگرچه بین روش‌های کمی و کیفی تفاوت‌هایی وجود دارد، اما این تفاوت‌ها نبایستی به صورت دو قطبی و دو دستگی طرح شوند. رهیافت‌ها و رویکردهای زیادی وجود دارد که شکاف سنتی بین روش‌های کمی و کیفی را قبول ندارند. در واقع، تفاوت بین روش‌های کمی و کیفی، به آن شدتی هم که ادعا می‌شود نیست. روش‌های کیفی غالباً به عنوان گام مقدماتی در پژوهش کمی استفاده می‌شوند و می‌تواند برای آزمون فرضیه‌های نظری نیز به کار روند. در حوزه پژوهش کیفی اتخاذ موضع شبه کمی (quasi-quantification) امری رایج بوده و محققان کمی نیز از آمار، در شکل روایت‌های توصیفی استفاده می‌کنند. بنابراین، اگر چه هر دو رهیافت، جهت‌گیری‌های متفاوتی را نشان می‌دهند. اما در نهایت، مکمل یکدیگرند (McEvoy & Richards, 2006: 69).

بسیاری از عمل‌گرایان^(۲) ضمن تایید نادرست بودن دوگانگی رهیافت‌های کمی و کیفی (Rossman & Wilson, 1985: 631) به رابطه کاملاً ایزاری بین پارادایم‌ها و روش‌ها معتقدند. از نظر آن‌ها روش‌ها، مجموعه انبوهی از تکنیک‌ها هستند. از این رو، ویژگی‌های یک پارادایم، ماهیتاً ربطی به روش‌های کمی و کیفی ندارد و روش‌های کمی و کیفی می‌توانند تحت عنوان پارادایم‌های پوزیتیویستی یا تفسیرگرایی مطرح شوند (Firestone, 1987: 16). عمل‌گرایان روش‌شناختی همچون تشکری و تدلی (Tashakkori & Teddlie) و آنوگیبوزی معتقدند محققان بایستی از هر روشی که نتیجه مطلوب دارد استفاده کنند؛ حتی اگر متضمن تغییر بین پارادایم‌های جایگزین باشد. منطبق این موضع عمل‌گرایی آن است که هیچ یک از روش‌های کمی و کیفی به تنهایی نمی‌توانند تحلیل کامل و بی‌نقصی ارائه دهند؛ در نتیجه لازم است یکدیگر را از طریق ترکیب، تکمیل کنند (McEvoy & Richards, 2006: 68). داس (Das T. H)

۱- مبتنی بر این دیدگاه که به نسبیت هستی‌شناختی (ontological relativity) معروف است، تصمیم‌گیری‌های روش‌شناختی، تابعی است از اهداف محقق و پرسش‌های مورد نظر او و نه پیروی مطلق از اصول هر نوع جهان‌بینی خاص.

۲- عمل‌گرایان با آثار و اندیشه‌های فیلسوف بزرگ امریکایی، چالمرز ساندروز پیرس و نیز ویلیام جیمز و جان دیویی آغاز شده است.

نیز معتقد است که اگر چه که روش‌شناسی‌های کمی و کیفی، بر ابعاد متفاوتی از یک پدیده واحد دلالت دارند، با این حال واگرا (divergent) و مباین (antithetic) هم نیستند. گاهی اوقات این ابعاد مختلف با همدیگر تلاقی (confluent) و اشتراک پیدا می‌کند و حتی اگر در مواردی به نظر ناهمگرا آیند، با غور و بررسی بیشتر می‌توان به وحدت بنیادین بین آن‌ها پی برد (Amaratuga et al, 2002: 23). از نظر دافت (Daft R. L)، کوک و ریچاردت (Cook & Richardet) روش‌های کمی، ضرورتاً پوزیتیویستی و روش‌های کیفی، ضرورتاً پدیدارشناختی نیستند. سایرین نیز معتقد است از آنجایی که هر یک از رهیافت‌های کمی و کیفی نقاط ضعف و قوت خاص خود را دارند، بایستی از نقاط قوت هر دو رهیافت برای فهم بهتر پدیده‌های اطراف خود بهره‌گیریم (Onwuegbuzie & Leech, 2005: 377) در این راستا، سایبر و مندی (Sieber & Mandey) مباحثی را در خصوص نحوه همکاری روش‌های کمی و کیفی در خصوص طرح، گردآوری داده‌ها و مراحل تجزیه و تحلیل ارائه کرده‌اند. همچنین میلز و هابرم (Miles & Huberman) جزئیات مبسوط نحوه ارتباط این دو روش را در مراحل مختلف پژوهش توضیح داده‌اند (Rossman & Wilson, 1985: 631). با همه این توضیحات، کاربرد رهیافت عمل‌گرایی در عمل امکان دارد محققان را با چالش‌های روش‌شناسی مواجه کند که برطرف کردن آنها کار دشواری است.

رهیافت (پژوهش) ترکیبی

پژوهش ترکیبی، پژوهشی است که در آن، روش‌های کمی و کیفی در مطالعه واحدی با همدیگر ترکیب می‌شوند. این رهیافت از سوی تشکری و تدلی (۲۰۰۳) به عنوان سومین پارادایم روش‌شناسی نام‌گرفته است. هوداران پژوهش ترکیبی به طور مرسوم از «نظریه انطباق‌پذیری» (compatibility thesis) و نیز از فلسفه عمل‌گرایی تبعیت می‌کنند. نظریه فوق‌مبتنی بر این ایده است که روش‌های کمی و کیفی با یکدیگر انطباق داشته و می‌توان آن‌ها را ترکیب نمود (Christensen & Johnson, 2004) در فلسفه عمل‌گرایی نیز همچنان که آمد، تاکید می‌شود محققان بایستی از رهیافت‌های ترکیبی که به بهترین نحو در شرایط دنیای واقعی کاربرد دارد، بهره‌گیرند. هر چیزی که کاربرد دارد، سودمند بوده و بایستی بدون توجه به هر گونه مفروضات پارادایمی و سایر مفروضات دیگر به کار گرفته شود

(Johenson & Onwuegbuzie, 2004: 17).

امروزه محققان پژوهش ترکیبی تلاش دارند از آنچه که به تعبیر جانسون و ترنر (Johenson & Turner) «اصل بنیادین پژوهش ترکیبی» است، بهره گیرند: مطابق با این اصل، محققان بایستی از آمیزه (mixture) یا ترکیبی (combination) از روش‌ها استفاده کنند؛ به طوری که مکمل نقاط قوت یکدیگر بوده و با نقاط ضعف همدیگر، همپوشانی و تداخل نداشته باشند (Christensen & Johnson, 2004). این جنبش، بی شک در مراحل اولیه خود بوده و در حال تکوین بنیان‌های نظری و فلسفی خود است. تناقض‌ها و ناهمگرایی‌های آشکاری در یافته‌های پژوهشی وجود دارد و مسایل متفاوت، نیازمند راه‌حل‌های مختلفی است. با این حال، بیشتر پژوهش‌های مبتنی بر روش‌های ترکیبی، اساساً بر محور رد دوگانگی‌های کمی و کیفی استوارند (Giddings, 2006: 197).

مباحث زیادی بر سر عنوان این پژوهش وجود دارد و در پنجاه سال گذشته، نویسندگان مختلف از عناوین متفاوتی استفاده کرده‌اند. این روش ابتدا توسط کمپل و فیسک (Campbell & Fiske) در سال ۱۹۵۹ با عنوان «پژوهش چند خصیصه‌ای - چند روشی» (multitrait-multimethod research) مطرح شد که در آن، مجموعه‌ای از روش‌های کمی مختلف در مطالعه‌ای واحد با همدیگر یکپارچه یا ترکیب می‌شوند. این روش با عناوینی چون دورگه (hybrid)، «مثلث‌سازی روش شناختی»^(۱) نیز شناخته می‌شود که در آن، همگرایی داده‌های کمی و کیفی، مورد توجه است. عناوینی چون پژوهش ترکیبی و پژوهش مبتنی بر روش‌های ترکیبی نیز نشان می‌دهد که این رهیافت، هم روش است و هم نوعی جهان‌بینی. اما اصطلاحی که امروزه به دلیل کاربرد زیاد رایج شده، پژوهش مبتنی بر روش‌های ترکیبی (mixed methods research) است؛ عنوانی که در «کتاب راهنمای روش‌های ترکیبی در پژوهش‌های اجتماعی و رفتاری» عباس تشکری و چارلز تدلی آمده است

۱- مثلث‌سازی روش شناختی (methodological triangulation) اصطلاحی است که توسط وب و همکارانش در سال ۱۹۶۹ بر مبنای اندیشه کمپل و فیسک وارد علوم اجتماعی شد و توسط دنزین و لینکلن بسط و گسترش یافت. ریشه این مفهوم به دریانوردی، استراتژی‌های نظامی و مساحی بر می‌گردد و بیشتر با سه هدف عمده ناپید، تکمیل و استنفهام (abduction) یا پس‌کاوی (retroduction) صورت می‌گیرد (بلیکی، ۱۳۸۴: ۳۳۸).

(Creswell, 2003: 5).

همچنان که گفته شد، ترکیب روش‌ها سابقه‌ای بس دیرینه دارد. با این وجود، استفاده از انواع داده‌های کمی و کیفی به صورت طرح پژوهشی یا روش‌شناسی مستقل در نوع خود، موضوع جدیدی است. بنابراین انواع خاص طرح‌های پژوهش، سیستم یادداشت‌برداری (notation system)، واژه‌شناسی، دیاگرام‌های عملکرد و چالش‌ها و موضوعات مرتبط با استفاده از طرح‌های مختلف، همگی موضوعات جدیدی است که در دهه اخیر مطرح شده‌اند.

تشکری و تدلی، پژوهش مبتنی بر روش‌های ترکیبی را به عنوان نوعی «روش‌شناسی» در نظر می‌گیرند که مفروضات فلسفی خاصی را دارد. نسبت دادن روش‌شناسی به این رهیافت، پیچیدگی‌هایی را موجب می‌شود؛ با این حال ممکن است برخی، چنین پیچیدگی‌ها را ضروری بدانند. بی‌شک، همه رهیافت‌های پژوهشی، مفروضات فلسفی خاصی برای راه‌نمایی محقق دارند. پژوهش مبتنی بر روش‌های ترکیبی، یک جهان بینی یا چندین جهان‌بینی را شامل می‌شود (همان)، به عنوان روش‌شناسی، پژوهش ترکیبی شامل مفروضات فلسفی است که روش گردآوری و تحلیل داده‌ها را مشخص کرده و رهیافت‌های کمی و کیفی را در بسیاری از مراحل پژوهش ترکیب می‌کند.

محققان دیگری چون کرسول و پلانو کلارک (Creswell & Plano Clark) و دیگران (۲۰۰۳) گرین، کراسلی و گراهام (Green, Cracelli & Graham, 1989) به جای روش‌شناسی، بر فنون یا روش‌های گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها تاکید دارند. نسبت دادن «روش» به این پژوهش برای بسیاری از محققان، ساده، مختصر و مفید (concise) و پرتنین می‌نماید. کرسول و همکاران آن را همچون روش‌های کمی و کیفی، نوعی طرح پژوهشی با مفروضات فلسفی و روش‌های پژوهشی خاص خود تعریف کرده‌اند. به عنوان روش، این پژوهش بر گردآوری، تجزیه و تحلیل و ترکیب داده‌های کمی و کیفی در یک مطالعه یا مطالعات مختلف تمرکز دارد (همان).

بررسی سیر تکوینی رهیافت ترکیبی

دوره تکوینی (formative period: 1950-1980): این دوره از دهه ۱۹۵۰ شروع و تا دهه

۱۹۸۰ ادامه می‌یابد. در این دوره علایق اولیه به استفاده از چند روش در پژوهش واحد نضج می‌گیرد. این علاقه و توجه، زمانی شتاب گرفت که کمپل و فیسک از اشکال مختلف داده‌های کمی در مطالعه اعتباربخشی به صفات روان‌شناختی استفاده کردند. آن‌ها ماتریس «چند خصیصه‌ای - چند روشی»^(۱) را بوجود آوردند که تفاوت‌های فردی در نمرات مقیاس شخصیت را نه به خصوصیات خود افراد، بلکه به روش‌های به کار رفته در سنجش آن‌ها مرتبط می‌کرد. در این دوره، سایر محققان نیز داده‌های کمی و کیفی را با همدیگر ترکیب می‌کرده‌اند و در این بین نیز سوالاتی مطرح شد؛ از جمله این که آیا ترکیب انواع داده‌های منتج از دیدگاه‌های مختلف، امکان‌پذیر است یا خیر؟ (Creswell, 2003: 13)

دوره مناقشات و جدلهای پارادایمی (دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰): بین دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، محققان کیفی، تاکید زیادی بر تفاوت روش‌های کمی و کیفی و مفروضه‌های آن‌ها داشتند. بحث‌ها و مناقشه‌های پارادایمی بر سر این بود که آیا روش‌های کمی و کیفی را می‌توان با همدیگر ترکیب کرد یا خیر؟ برخی معتقد بودند که پژوهش مبتنی بر روش‌های ترکیبی به دلیل ناسازگار و مانع‌الجمع بودن، قابل دفاع (untenable) نیست زیرا در پی ترکیب پارادایم‌ها است. در سال ۱۹۸۸، برایمن با مطرح کردن این که ارتباط مشخصی بین این دو سنت وجود دارد، این مناقشه‌ها را به چالش کشید. امروزه هنوز هم برخی محققان روش‌های کیفی (بنیادگرایان) با تاکید بر ناسازگاری ترکیب پارادایم‌ها، از این نوع پژوهش دوری می‌جویند. با این حال، عمل‌گرایان معتقدند می‌توان پارادایم‌های مختلف را در شناسایی و تعیین مساله پژوهش به کار برد و در ترکیب روش‌ها از پارادایم‌های متعدد بهره گرفت.

دوره پیشرفت‌های روشی: اگرچه بحث و مناقشه‌های پارادایمی که زمینه لازم را برای پژوهش مبتنی بر روش‌های ترکیبی به وجود آورد، هنوز پایان نگرفته، با این حال در دهه ۱۹۸۰، تغییر جهتی به سوی روش‌ها و شیوه‌های طراحی مطالعه روش‌های ترکیبی بوجود آمد. در سال ۱۹۸۹، سه محقق حوزه ارزیابی (evaluation field) گرین، کراسلی و گراهام، در مقاله کلاسیک خود^(۲) شالوده و بنیان پژوهش مبتنی بر روش‌های ترکیبی را پی‌ریزی کردند. در

۱- این ماتریس بر مبنای ضرایب همبستگی بین نمرات حاصل از آزمون‌های مختلف ساخته می‌شود و نشان دهنده میزان همگرایی و شاخصی برای اعتبار یافته‌های پژوهش است.

۲- مشخصات مقاله مذکور عبارت است از:

این مقاله آن‌ها با ارزیابی ۵۷ پژوهش در حوزه ارزیابی، سیستم دسته بندی ششگانه‌ای ایجاد کردند و در مورد تصمیم‌گیری‌های طرح مربوط به هر یک از آن‌ها، مباحثی را مطرح کردند. بر مبنای این مقاله، سایر محققان، سیستم‌های دسته بندی مختلفی را به وجود آوردند. دقیقاً در همین زمان، دو جامعه‌شناس، برور و هانتز (Brewer & Hunter) مباحثی را در مورد ارتباط پژوهش چند روشی با مراحل فرایند پژوهش (تدوین، نمونه‌گیری و گردآوری داده‌ها) طرح کردند (Creswell, 2003: 15). بر اساس این طبقه بندی و نشانه شناسی‌ها، محققان مباحثی را درباره انواع خاص طرح‌های روش‌های ترکیبی ارائه نمودند. برای مثال، کرسول مجموعه ساده‌ای (parsimonious) از سه طرح به وجود آورد و بررسی‌هایی برای تشریح آن‌ها انجام داد. مورگان نیز ماتریس تصمیم‌گیری برای تعیین نوع طرح مورد استفاده را طراحی نمود.

دوره مطرح شدن پژوهش مبتنی بر روش‌های ترکیبی به صورت طرح مستقل: در آغاز هزاره، شاهد توجه زیاد به روش‌های مبتنی بر پژوهش ترکیبی بودیم؛ به طوریکه محققان، پژوهش ترکیبی را به عنوان طرحی مستقل در نوع خود (پارادایم جدید) در نظر گرفتند. از نظر داتا (Datta L) روش‌های ترکیبی بایستی به روش شناسی غالب و مسلط مبدل گردد و برخی نیز معتقدند که روش‌های ترکیبی در حال حاضر از چنین موقعیتی برخوردار است. بدون توجه به این که روش شناسی ترکیبی، جایگاه مسلطی به دست آورده یا نه، بی شک در حوزه روش شناسی پژوهش، این روش به سرعت در حال پیشرفت و گسترش است (Leahey, 2007: 150). نگاهی به موضوعات زیر نشانگر توجه زیاد و اهمیتی است که در سال‌های اخیر به روش‌های ترکیبی معطوف شده است:

در حوزه جامعه‌شناسی، با بررسی سخنرانی‌های صورت گرفته در انجمن جامعه شناسی آمریکا می‌توان به این موضوع پی برد؛ به طوری که تا سال ۲۰۰۰ هیچ نشستی در خصوص روش‌های ترکیبی برگزار نشده بود. اما از این زمان به بعد، به طور مرتب جلسات و سمینارهای

آموزشی در این مورد برگزار می‌شود (Creswell, 2003: 16-18).

طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵، بیش از ۶۰ مقاله در حوزه علوم اجتماعی و انسانی، از پژوهش مبتنی بر روش‌های ترکیبی استفاده کرده‌اند و تعداد مقالات مرتبط با این روش در حال افزایش است.

در اواخر سال ۲۰۰۵، انتشارات سیج (Sage Publication) شروع به انتشار مجله جدیدی با عنوان «مجله پژوهش روش‌های ترکیبی» کرد که منحصرأ به روش‌های ترکیبی اختصاص دارد. اولین شماره این مجله که «جان کرسول»، «عباس تشکری» و «ویکی ال پلانو کلارک» سردبیران آن هستند، در ژانویه سال ۲۰۰۷ در دسترس جامعه علمی و مخاطبان آن قرار گرفت.

- روش‌های تلفیقی در بسیاری از رشته‌های دیگر نیز به کار گرفته شده است: سالنامه پزشکی خانواده، مجله روانشناس مشاوره، لنست، مجله انجمن بهداشتی آمریکا از این جمله‌اند.
- اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش مبتنی بر روش‌های ترکیبی در سال ۲۰۰۵ در دانشگاه کمبریج برگزار شد که بیش از ۱۰۰ محقق روش‌شناسی پژوهش ترکیبی در آن گردهم آمده بودند.

- امروزه نیز شاهد توجه و علائق بین‌المللی میان فرهنگی، علائق میان رشته‌ای، امکانات چاپ و نشر و فرصت‌های سرمایه‌گذاری خصوصی و دولتی در حوزه پژوهش مبتنی بر روش‌های ترکیبی هستیم (همان).

مزیتها و اهداف ناظر بر پژوهش ترکیبی

از جمله مزایا و اهداف ناظر بر پژوهش ترکیبی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:
- پژوهش مبتنی بر روش‌های ترکیبی با تاکید بر نقاط قوت روش‌های کمی و کیفی، محدودیت‌ها و نقاط ضعف آن‌ها را جبران می‌کند (Creswell, 2003: 9-10).

- پژوهش مبتنی بر روش‌های ترکیبی، شواهد و قرائن بسیار جامع‌تری برای مطالعه مساله پژوهش نسبت به هر یک از رهیافت‌های کمی و کیفی فراهم می‌آورد. محققان این نوع پژوهش به جای محدود کردن خود به استفاده از انواع مشخص روش‌های گردآوری داده‌های کمی یا کیفی، از تمام ابزارهای موجود گردآوری داده‌ها بهره می‌گیرند.

- روش‌های ترکیبی، محققان کمی و کیفی را تشویق می‌کند تا به جای روابط و مناقشه‌های

خصوصیت آمیز، روابط و همکاری پژوهشی بیشتری با همدیگر داشته باشند.

- پژوهش ترکیبی کمک می‌کند تا به سوال‌هایی پاسخ داد که نمی‌توان صرفاً با استفاده از روش‌های کمی و کیفی به طرز شایسته‌ای از عهده آن برآمد برای مثال، آیا نگرش‌ها و دیدگاه‌های مشارکت جویان که از طریق مصاحبه و ابزارهای استاندارد به دست آمده، با یکدیگر همگرایی و همسویی دارند یا واگرایی؟

- از سوی دیگر، پژوهش مبتنی بر روش‌های ترکیبی، به جای وابسته کردن محققان به پارادایم‌های مشخص رهیافت‌های کمی و کیفی، آن‌ها را به استفاده از جهان بینی‌ها و پارادایم‌های متعدد سوق می‌دهد و موجب می‌شود به تفکر درباره پارادایمی پرداخت که تمام مراحل پژوهش کمی و کیفی را در بر می‌گیرد؛ مثل عمل‌گرایی یا استفاده از پارادایم‌های متعدد در پژوهش مبتنی بر روش‌های ترکیبی.

- پژوهش مبتنی بر روش‌های ترکیبی، جنبه کاربردی دارد؛ زیرا محقق در استفاده از تمام روش‌های ممکن برای پاسخ دادن به مساله مورد بررسی خود مخیر است علت کاربردی بودن آن هم این است که بیشتر افراد تمایل دارند مساله خود را با استفاده از واژه‌ها و اعداد و ارقام و ترکیب تفکر قیاسی و استقرایی، حل کنند. بنابراین، به کارگیری روش‌های ترکیبی از سوی محققان، به عنوان روشی مقبول در فهم دنیای پیرامون، امری طبیعی است.

- از نظر دنزین، روش‌های ترکیبی، فهم بسیار دقیق تری را امکان پذیر می‌سازد و به زبان روش‌شناسی، قابلیت اعتبار درونی و بیرونی و پایایی پژوهش را افزایش می‌دهد (Ibid).

- از نظر کلمن، با ترکیب روش‌های کمی و کیفی می‌توان هم تاثیرات ساختاری و هم استدلال‌های تفسیری و تبیینی و مکانیسم‌ها را به بهترین نحو توضیح داد (Leahey, 2007: 150).

- از دیگر مزایای روش‌های ترکیبی می‌توان به اطمینان بیشتر به یافته‌ها، کمک به کشف و آشکار سازی ابعاد جالب و غیر معمول پدیده‌ها، ارائه تبیین‌های پرمایه و فربه و یکپارچه کردن نظریه‌ها اشاره نمود.

جنیفر ماسون (۲۰۰۶: ۱۳-۱۹) نیز مزیت‌های استفاده از روش‌های ترکیبی را چنین بر می‌شمارد:

- تشویق محققان به تفکر باز و آزاد (outside the box) و اندیشیدن به شیوه‌ای متفاوت و

خلاقانه که نهایتاً کشف ابعاد تازه در زندگی اجتماعی و تعامل بین آن‌ها را در پی خواهد داشت. - افزایش و ارتقای توانمندی‌های محققان و نظریه پردازان فراسوی تقسیم بندی‌های خرد و کلان.

- افزایش و بسط منطق تبیین‌های کیفی.

- دستیابی به فهم کل گرایانه و کامل از فرایندها و برون‌دادها و توجه به رهیافت‌های مختلف در خصوص مساله مورد بررسی و در نتیجه اطمینان بیشتر به یافته‌ها و نتیجه‌گیری‌ها. گرین، کراسلی و گراهام، بر اساس کار راسمن و ویلسون (۱۹۸۵) پنج هدف عمده از مطالعات مبتنی بر روش شناسی ترکیبی را برشمرده اند:

- مثلث سازی: جستجویی همگرایی و تایید یافته‌های حاصل از روش‌های مختلفی که پدیده واحدی را مطالعه می‌کنند و یا به تعبیر دنزین، ترکیب روش شناسی‌ها در مطالعه پدیده واحد. مثلث سازی به محقق اجازه می‌دهد با اتکا به داده‌ها حاصل از چند روش، صحت و درستی نتیجه‌گیری‌هایش را ارتقا دهد.

- مکمل بودن (complementarity): توصیف، اصلاح، شفاف سازی و توضیح نتایج حاصل از یک روش با استفاده از نتایج حاصل از سایر روش‌ها.

- توسعه (development): استفاده از نتایج یک روش برای شکل دهی به سایر روش‌ها. - ابداع (initiation): کشف پارادوکس‌ها و تناقض‌هایی که منجر به چارچوب بندی مجدد (reframing) پرسش پژوهش می‌شود. به عبارت دیگر، ابداع، عملی تحلیلی است که منجر به طرح ایده‌ها و تفاسیر جدید، حوزه‌هایی برای کاوش بیشتر یا طرح مجدد کل پرسش پژوهش می‌شود.

- بسط و گسترش (expansion): توسعه حوزه و دامنه پژوهش، با به کارگیری روش‌های مختلف برای بخش‌های مختلف پژوهش (Rossman & Wilson, 1985؛ Bryman, 2007؛ Amaratuga et al, 2002)

جدول ۱ و برخی از مولفه‌های روش ترکیبی را در مقایسه با روش کمی و کیفی به طور خلاصه نشان می‌دهد و با مراجعه به آن می‌توان به پتانسیل‌ها و مزیت‌های روش ترکیبی در مقام مقایسه با روش‌های کمی و کیفی پی برد.

جدول ۱- ویژگی‌ها و مولفه‌های عمده پژوهش کمی، کیفی و ترکیبی

مؤلفه‌ها	پژوهش کمی	پژوهش ترکیبی	پژوهش کیفی
روش علمی	قیاسی یا بالا به پایین محقق فرضیه‌ها و نظریه را با داده‌ها آزمون می‌کند	قیاسی و استقرایی	استقرایی یا پایین به بالا محقق فرضیه‌های جدید می‌آفریند و بر اساس داده‌های گردآوری شده از کار میدانی، نظریه ای را پی ریزی می‌کند
نوع نگاه به رفتار انسان‌ها	رفتار انسان‌ها قاعده‌مند و قابل پیش‌بینی است	رفتار انسان‌ها تا حدودی قابل پیش بینی است	رفتار انسان‌ها سیال، پویا، موقعیتی. اجتماعی، بسترنمند و شخصی است
اهداف بسیار مرسوم از انجام پژوهش	توصیف، تبیین و پیش‌بینی	اهداف مختلف و متعدد	توصیف، کاوش و اکتشاف
مرکز و کانون توجه	محدود، آزمون فرضیه‌های خاص	متعدد	گسترده و عمیق، بررسی گسترده و عمیق پدیده‌ها به منظور یادگیری بیشتر در مورد آن‌ها
ماهیت و نوع مشاهده	تلاش برای مطالعه رفتارهای در شرایط کنترل شده	مطالعه رفتار در یک یا چند بستر و موقعیت	مطالعه رفتار در محیط طبیعی آن مطالعه بستری که رفتار در آن رخ داده است
ماهیت و نوع واقعیت	عینی (مشاهده گران مختلف بر سر چیزی که مشاهده شده توافق دارند)	رنالیسم مبتنی بر عقل سلیم و نگرش پارادایمی به جهان (مثل آنچه که در جریان است، آن چیزی است که واقعی یا حقیقی است)	ذهنی، فردی و برساخته اجتماعی

گردآوری داده‌های کینی (مثل مصاحبه‌های عمیق، مشاهده مشارکتی، یادداشت‌های میدانی، سوالات باز) محقق خود اساساً وسیله گردآوری داده‌هاست	اشکال مختلف	گردآوری داده‌های کمی مبتنی بر اندازه گیری‌های دقیق با استفاده از ابزارهای ساختمند و معتبر گردآوری داده‌ها (مثل گویه‌ها بسته، مقیاس‌ها، پاسخ‌های رفتاری)	شکل داده‌های گردآوری شده
گفتارها، تصویرها و مقوله‌ها	مخلوطی از متغیرها، گفتارها و تصاویر	متغیرها	ماهیت داده‌ها
جستجوی الگوها، مضامین و ابعاد کل گرایانه	کمی و کیفی	تشخیص روابط آماری	تحلیل داده‌ها
یافته‌های خاصی که بازنمود نگرش‌ها و دیدگاه‌ها از منظری درونی (امیک) است	یافته‌های نایب شده‌ای که امکان دارد قابل تعمیم باشند	تعمیم یافته‌ها	نتایج
گزارش روایتی همراه با توصیف زمینه و بستر مورد مطالعه و نقل قول مستقیم از مشارکت جوینان	گزینشی (ناهمگون) و عمل گرایانه	گزارش آماری (برای مثال همبستگی، مقایسه میانگین‌ها، گزارش معنادار بودن آماري یافته‌ها)	شکل نهایی گزارش

منبع: Christensen & Johnson, 2004

انواع روش‌های پژوهش ترکیبی

آلن براینمن (۲۰۰۷: ۲۱) با اذعان به این که بیشتر نوع شناسی‌های موجود غالباً در سطح نظری صورت گرفته، معتقد است نمونه‌های عملی زیادی در خصوص پژوهش ترکیبی وجود ندارد. در حالت کلی، این نوع شناسی‌ها، بیشتر نشانگر انواع منطقیاً ممکن ترکیب‌ها است براینند

نمونه‌های واقعی ترکیب روش‌های کمی و کیفی. به نظر وی، ابعاد و مولفه‌های زیر در طراحی و ساخت نوع شناسی‌ها می‌توانند لحاظ شوند:

- آیا داده‌های کمی و کیفی به طور همزمان گردآوری می‌شوند یا در طول زمان؟

- برتری نسبی با کدام یک از داده‌هاست: کمی یا کیفی؟

- هدف از ترکیب چیست؟ برای مثال مثلث سازی، تبیین یا ابداع.

- در چه مرحله یا مرحله‌ای از فرایند پژوهش (فرمول بندی سوال، گردآوری، تحلیل یا تفسیر

داده‌ها) ترکیب صورت می‌گیرد؟

- آیا بیش از یک منبع (لایه) اطلاعاتی وجود دارد؟ یا چند منبع؟

جانسون و آنوگیوزی (۱۹-۲۰۰۴:۲۰) نیز مولفه‌های دیگری به موارد فوق افزوده‌اند:

- ترکیب روش‌های کمی و کیفی، در بین مراحل پژوهش انجام می‌گیرد یا درون مراحل

پژوهش؟

- میزان یا شدت ترکیب بر روی پیوستار تک روشی تا کاملاً ترکیبی، چگونه است؟

- محقق در ترکیب روش‌های کمی و کیفی، چه رهیافتی نسبت به پژوهش اتخاذ خواهد

کرد؟ رهیافت نظریه انتقادی و دگرگون‌کننده - رهایی بخش (transformative-empiricatory) یا

رهیافت‌هایی که صراحت ایدئولوژیکی کمتری دارند؟

روش‌های مختلفی برای ترکیب روش‌های کمی و کیفی وجود دارد که در اینجا به یک نمونه

از آن‌ها، یعنی روش تشکری و تدلی (۲۰۰۳) اشاره می‌شود.^(۱) تشکری و تدلی، پژوهش

ترکیبی را به دو دسته عمده تقسیم می‌کنند:^(۲)

۱- کراسلی و گرین (۱۹۹۷) نیز طرح‌های روش‌های ترکیبی در حوزه ارزیابی (evaluation research) را به دو نوع طرح همساز (coordinated design) در چارچوب عمل‌گرایانه و طرح یکپارچه (integrated design) در چارچوب دیالکتیکی دسته بندی کرده‌اند که در نوع اول، آمیختن روش‌ها در مرحله نهایی مطالعه یعنی تفسیر و نتیجه‌گیری صورت می‌گیرد و در دیگری، بین روش‌های مختلف ارزیابی در مراحل مختلف فرایند پژوهش، تعامل مشخصی وجود دارد. بنابراین، ترکیب روش‌ها حالتی تکرارشونده و مداوم دارد و به مرحله نهایی مطالعه محدود نمی‌گردد. همچنین نگاه کنید به (Hammersley, 1996) و (Morgan, 1998).

۲- تشکری و تدلی در کتاب (Foundations of multimethod research: Synthesizing styles) چاپ دوم (۲۰۰۶) این دسته بندی را رها کرده و پژوهش‌های ترکیبی را به دو دسته کلی مطالعات ترکیبی (mixed studies) و مطالعات شبه تلفیقی (studies quasi-mixed) دسته‌بندی نموده‌اند.

۱- طرح مبتنی بر مدل‌های ترکیبی (mixed model design)

طرح روش‌های ترکیبی، نوعی طرح است که در آن، روش‌های کمی و کیفی برای پاسخگویی به پرسش‌های یک مطالعه واحد به کار می‌رود، در حالی که مدل‌های ترکیبی آن، مطالعاتی است که بخشی از برنامه پژوهشی بزرگتر بوده و به عنوان مکملی برای تهیه اطلاعات مرتبط با پرسش‌های پژوهشی مختلف طراحی می‌گردند؛ پرسش‌هایی که هر یک با رهیافت‌های روش‌شناسی متفاوتی پاسخ داده می‌شوند (Mertens, 2005). اگرچه روش‌های ترکیبی، نوعی پژوهش شهودی (intuitive appeal) است؛ با این حال مستلزم آن است که محقق در هر یک از رهیافت‌های کمی و کیفی، تخصص داشته و یا با تیمی کار کند که از چنین تخصصی برخوردارند. طرح مبتنی بر مدل‌های ترکیبی، خود به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف) طرح مبتنی بر مدل ترکیبی درون مرحله‌ای (whitin-stage mixed method design): در این نوع پژوهش، رهیافت‌های کمی و کیفی در درون یک مرحله یا چند مرحله از پژوهش ترکیب می‌شوند؛ مانند استفاده از پرسشنامه‌ای که شامل سوالات بسته و برخی سوالات باز (کیفی) است (Christensen & Johnson, 2004).

ب) طرح مبتنی بر مدل ترکیبی میان مرحله‌ای (accross-stage mixed method design): رهیافت‌های کمی و کیفی در میان حداقل دو مرحله از پژوهش، ترکیب می‌شوند. برای مثال، محقق می‌خواهد بداند علل گرایش به دوره‌های دانشگاه مجازی چیست (موضوع کیفی)، او برای پاسخ به این سوال، با انجام مصاحبه‌های باز (گردآوری داده‌های کیفی) در خصوص علت این امر سوالاتی مطرح می‌کند و سپس از طریق شمردن تعداد دفعات پاسخ‌های ارائه شده (تحلیل داده‌های کمی) یافته‌ها را به نتایج کمی تبدیل می‌کند. وی همچنین پاسخ‌ها را بر حسب درصد بیان می‌کند و رابطه بین مجموعه‌ای از مقولات یا متغیرها را از طریق استفاده از جداول توافقی نشان می‌دهد.

۲- طرح مبتنی بر روش ترکیبی (mixed method design)

در این نوع پژوهش، مرحله کمی و مرحله کیفی، تمام مراحل پژوهش را در بر می‌گیرد. برخلاف طرح مدل‌های ترکیبی، طرح روش‌های ترکیبی شبیه انجام مطالعه کمی خرد (quantitative mini-study) و مطالعه کیفی خرد در بطن یک پژوهش کلی است (Johnson & Onwuegbuzie, 2004: 22). پژوهش مبتنی بر روش‌های ترکیبی، بر مبنای مولفه‌های چندی

می‌تواند دسته بندی شود که برای اجتناب از پیچیدگی بیشتر، به دو مولفه آن اشاره می‌شود: (۱)

الف) نظم زمانی: همزمان (parallel form) یا در زمان و پیوسته (sequential form)

ب) پارادایم مورد نظر: وضعیت هم ارز یا غالب

از ترکیب این دو پارامتر، ماتریسی دو در دو حاصل می‌شود که شامل نه طرح خاص روش ترکیبی است. (جدول ۲) دو پرسش دیگر نیز در اینجا مطرح می‌شود (۱) آیا محقق قصد دارد درون یک پارادایم کار کند یا خیر؟ (۲) آیا می‌خواهد مراحل پژوهش را به صورت «در زمانی» (مقطعی) انجام دهد یا همزمان؟ پاسخ به این دو پرسش محقق را به یکی از طرح‌های مندرج در جدول رهنمون می‌کند. (۲)

جدول ۲: طرح‌های پژوهش مبتنی بر روش‌های ترکیبی با توجه به دو مولفه زمان و وضعیت پارادایم

تصمیم‌گیری در مورد نظم زمانی

		همزمان	در زمان
وضعیت هم ارز	تصمیم‌گیری در مورد اهمیت پارادایم	کمی + کیفی	کمی → کیفی کیفی → کمی
	وضعیت غالب	کمی + کیفی کیفی + کمی	کمی → کیفی کیفی → کمی

منبع: (Johenson & Onwuegbuzie, 2004: 22)

۱- تشکری و تدلی (۲۰۰۲) مبتنی بر پارامترها رابطه زمانی بین گردآوری داده‌های کمی و کیفی (در زمانی یا همزمانی) پارادایم‌های فلسفی بنیادین (عمل‌گرایان، پیشرونده)، وزن و اهمیت پژوهش کمی یا کیفی (غالب و هم ارز) و هدف از پژوهش (تایید یا اکتشافی) ۲۸ نوع طرح مبتنی بر روش‌های ترکیبی و ۲۸ نوع طرح مبتنی بر مدل‌های ترکیبی و بر روی هم ۵۶ طرح ممکن از طرح‌های ترکیبی دسته‌بندی کرده‌اند.

۲- طرح‌های ارائه شده در این بخش، بسیار کلی است. لذا برای مطالعه جزئیات دقیق و اشکال بسیار مختلف و متنوع آن‌ها به منبع اصلی (Creswell, 2003) مراجعه گردد.

روش‌های پررنگ تر (بلد) در جدول، نشانگر اهمیت و وزن آن روش نسبت به روش مقابل است. علامت مثبت، نشان دهنده گردآوری همزمان داده‌ها و علامت فلش، نشانگر گردآوری داده‌ها در طول زمان است. برای مثال (کیفی → کمی) نشان می‌دهد که مطالعه مزبور «در زمانی» بوده و کل مطالعه اساساً کمی است که در مراحل بعدی به صورت کیفی ادامه می‌یابد. به عبارت دیگر، روش کیفی، در پشتیبانی از روش کمی عمل می‌کند.

محقق در ترکیب و تطبیق طرح‌ها با همدیگر در طرحی که به بهترین وجه خواسته‌هایش را برآورده می‌کند مخیر است. نکته مهم این است که محققان نباید خود را به روش‌های ترکیبی یا طرح‌های مدل ترکیبی محدود کنند، بلکه هدف آن‌ها باید طراحی مطالعه‌ای باشد که به بهترین وجه به پرسش‌های پژوهشی آنان پاسخ دهد (Ibid). گرین و کرسلی معتقدند که بسیاری از محققان به طور کامل از ویژگی‌های مطرح شده برای طرح مدل‌های ترکیبی تشکری و تدلی پیروی نکرده‌اند و محققان مختلف به صورت متفاوتی این روش‌ها را در پژوهش خود ترکیب کرده و آن را روش‌های ترکیبی نامیده‌اند. محققان می‌توانند گزینه‌های ترکیبی متعددی را در بخش‌های مختلف فرایند پژوهش، همچون تعریف اهداف، طرح کلی، روش‌ها، نمونه‌گیری، ثبت داده‌ها و تحلیل و تفسیر آن‌ها به کار گیرند (Mertens, 2005).

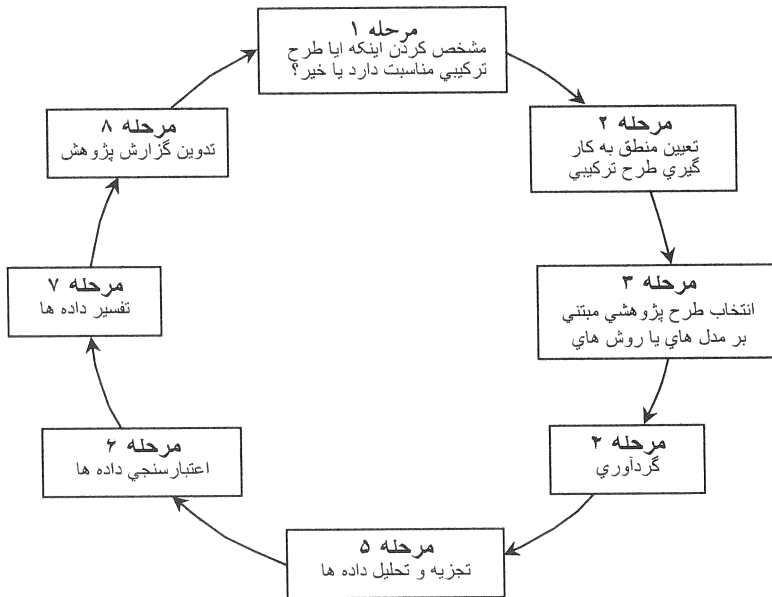
فرایند مراحل پژوهش ترکیبی

کریستنسن و جانسون (۲۰۰۱) هشت مرحله را در فرایند پژوهش ترکیب تشخیص داده‌اند که در قالب شکل ۱ به تصویر کشیده شده است. جانسون و آنوگیوزی (۲۰۰۴: ۲۳) نیز با اندکی تفاوت، هشت مرحله را در فرایند پژوهش ترکیب تشخیص داده‌اند: طرح مساله، هدف از پژوهش ترکیبی، انتخاب روش شناسی پژوهش (مدل یا روش ترکیبی)، گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها، تفسیر داده‌ها، صحه‌گذاری و تایید داده‌ها، نتیجه‌گیری و تدوین گزارش نهایی. تفاوت عمده این دو نوع دسته‌بندی آن است که در مدل کریستنسن و جانسون، مرحله تفسیر داده‌ها بعد از مرحله اعتبار بخشی و صحه‌گذاری است؛ ولی در مدل جانسون و آنوگیوزی، قبل از این مرحله.

۱- آیا طرح ترکیبی مناسب دارد یا خیر؟ در این مرحله، محقق باید اطمینان داشته باشد که

با استفاده از پژوهش ترکیبی به بهترین نحو می‌تواند به پرسش‌های پژوهشی خود پاسخ دهد. از طرف دیگر بایستی اعتقاد داشته باشد که پژوهش ترکیبی بهترین طرح ممکن برای نوع و میزان شواهدی است که می‌خواهد گردآوری کند (Christensen & Johnson, 2004).

۲- منطقی استفاده از طرح ترکیبی: در این مرحله، محقق بایستی مشخص کند که به چه دلیل و با چه هدفی از طرح ترکیبی استفاده می‌کند؟ آیا برای مثلث سازی است یا برای تکمیل، توسعه، ابداع یا...؟



شکل ۱: مراحل هشت گانه پژوهش ترکیبی

۳- انتخاب طرح‌های پژوهشی مبتنی بر مدل‌های ترکیبی یا روش‌های ترکیبی: در این مرحله پژوهشگر بایستی در خصوص نوع طرح خود تصمیم‌گیری کند: مدل‌های ترکیبی یا روش‌های ترکیبی

۴- گردآوری داده‌ها: شش روش عمده گردآوری داده‌ها شامل آزمون، پرسشنامه، مصاحبه با گروه‌های متمرکز (focus group)، مشاهده و تحلیل ثانویه (secondary analysis)، تحلیل داده‌های موجود (مثل اسناد و مدارک شخصی، اداری، داده‌های آرشیوی) است که محقق با توجه به نیازهای پژوهشی خود از آن‌ها استفاده می‌کند.

۵- تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل‌های کمی و یا کیفی: در این مرحله، ممکن است محقق از روش‌های و تکنیک‌های کمی سازی (تبدیل داده‌های کیفی به کمی) و یا از روش‌های و تکنیک‌های کیفی سازی (تبدیل داده‌های کمی به کیفی) بهره‌گیرد. جانسون و آنوگیوزی (۲۰۰۴: ۲۳) هفت مرحله برای تحلیل داده‌ها قائلند: تقلیل داده‌ها، نمایش داده‌ها (data display)، تبدیل داده‌ها (data transformation)، همبستگی بین داده‌ها، ادغام داده‌ها (data consolidation)، مقایسه داده‌ها، یکپارچه نمودن داده‌ها.

۶- اعتبار بخشی داده‌ها: اعتبارسنجی (data validation) و صحه‌گذاری داده‌ها موضوعی است که در تمام مراحل پژوهش انجام می‌گیرد. اگر داده قابل اعتماد نباشد، محقق نمی‌تواند مطالعه درخور اعتمادی انجام دهد. این مرحله شامل ارزیابی در خور اعتماد بودن داده‌های کمی و کیفی و تفسیرهای بعدی است (Christensen & Johnson, 2004) چارچوب‌هایی چون مدل صحه‌گذاری کمی (شامل ۵۰ منبع بی اعتبارسازی بخش کمی پژوهش مبتنی بر روش‌های ترکیبی در مرحله گردآوری، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها) و مدل صحه‌گذاری کیفی (شامل ۲۹ عنصر صحه‌گذاری برای بخش کیفی پژوهش مبتنی بر روش‌های ترکیبی در مرحله گردآوری، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها) می‌تواند برای ارزیابی صحت و درستی مراحل کمی و کیفی پژوهش به کار رود. نکته مهم این که مرحله صحه‌گذاری می‌تواند شامل گردآوری، تحلیل و یا تفسیر بیشتر داده‌ها گردد؛ به طوری که حتی المقدور بسیاری از تبیین‌های رقیب، کاسته و حذف شوند (Johenson & Onwuegbuzie, 2004: 22).

۷- تفسیر داده‌ها: کار تفسیر داده‌ها، همزمان با ورود محقق به میدان و گردآوری اولین داده‌ها شروع می‌شود و در تمام مراحل پژوهش ادامه می‌یابد. تفسیر و اعتبار بخشی به داده‌ها همزمان و درکنار یکدیگر صورت می‌گیرد و هدف، کسب اطمینان از این موضوع است که محقق، پیوسته از استراتژی‌هایی که داده‌های معتبری به دست می‌دهد استفاده می‌کند و در نتیجه کمک می‌کند تا تفسیر قابل اطمینان و قابل دفاعی از داده‌ها صورت گیرد. استراتژی‌های مورد استفاده

در فرایند تفسیر داده‌ها شامل موارد زیر است:

- بازاندیشی (reflexivity): خودآگاهی و تأمل انتقادی محقق از خطاها و تورش‌های بالقوه و پیش‌داوری‌هایی است که امکان دارد در فرایند پژوهش و نتیجه‌گیری‌های محقق تأثیر بگذارد.
- نمونه‌گیری از موارد منفی (negative case sampling): تلاش برای یافتن و بررسی مواردی که انتظارات و خواسته‌ها و تبیین‌های تجربی محقق را برآورده نمی‌کند.

۸- تدوین گزارش پژوهش: تدوین گزارش پژوهش می‌تواند در حین یا پس از اتمام گردآوری داده‌ها صورت گیرد. محقق بایستی به خاطر داشته باشد که ترکیب در مراحل مختلف پژوهش، نمود و جلوه‌گری داشته باشد. به عبارت دیگر، اگر پژوهشی، واقعاً از نوع پژوهش ترکیبی است، بایستی این ترکیب در گزارش نهایی نیز انعکاس داشته باشد. یعنی چنانچه محقق در مورد نتایج صحبت می‌کند، بایستی بخش‌های کمی و کیفی مطالعه را برای فهم کل پژوهش با همدیگر مرتبط کرده و بر نقاط قوت پژوهش ترکیبی متمرکز شود.

اگرچه مراحل پژوهش ترکیبی با توجه به شکل فوق شماره گذاری شده‌اند، اما محققان غالباً با توجه به نیازهای خاص خود و موارد پیش آمده در طول انجام پژوهشی خاص، از اشکال مختلفی از این مراحل پیروی و تبعیت می‌کنند. برای مثال، تفسیر و اعتبار بخشی داده‌ها بایستی در تمام مراحل گردآوری داده‌ها انجام گیرد. (Christensen & Johnson, 2004) نکته دیگر اینکه هر محقق می‌تواند طرح‌های کاملاً خاصی طراحی کند که ممکن است بسیار پیچیده باشند. افزون بر این، محقق بایستی آگاهانه طرح‌هایی ایجاد کند که به نحو موثری بتوانند به پرسش یا پرسش‌های پژوهشی‌اش را پاسخ دهند. چنین رویکردی در تعارض با این رهیافت پژوهش کمی سنتی است که محققان، لیست مشخصی و از پیش آماده شده‌ای از طرح‌ها را در اختیار دارند که از بین آن‌ها دست به انتخاب می‌زنند (Johanson & Onwuegbuzie, 2004).

محدودیت‌های روش‌های ترکیبی

علی‌رغم مزایا و محبوبیت روش‌های ترکیبی، رهنمودهای عملی چندانی در این زمینه وجود دارد و بیشتر مباحث روش‌شناسی ترکیبی، بر چهاچوب مفهومی، ترکیبی و یکپارچه نمودن روش‌ها متمرکز است. حتی کتاب مرجع تشکری و تدلی نیز با وجود ارائه مثال‌های

مختلف در خصوص روش‌های ترکیبی، اساساً به طبقه بندی رهیافت‌های روش‌های ترکیبی پرداخته است. اگرچه در اکثر مقالات بر این امر خاطر نشان شده که روش‌های ترکیبی، فهم گسترده‌ای از فرایندها فراهم می‌آورد، اما بسیاری از محدودیتهای عملی روش‌های ترکیبی، نادیده گرفته شده‌اند (Leahey, 2007: 150).

کلمن مدعی است که با پیشرفتهای آماری و افزایش سرمایه گذاری ملی، رشد و گسترش آرشیوهای اطلاعاتی و برتری نسبی پیمایش‌های آماری در اواسط قرن بیستم، دو عنصر اساسی در فهم جهان اجتماعی از نظرها دور ماند: یکی توجه به بستر پدیده‌ها و دیگری توجه به خواست و اختیار کنش‌گران (دلایل افراد برای انجام کنش) محققان، روش‌های ترکیبی، علاقه‌مند به احیای توجه به این دو عنصر و ترکیب آن‌ها با روش‌های آماری و پیمایشی رایج هستند؛ اما علاقه مندی آن‌ها به این روش جدید پژوهشی، غالباً با ارائه موارد عملی همراه نبوده است (Ibid: 151) براین نیز (۲۰۰۷: ۲۱) معتقد است رهنمودهای عملی اندکی در خصوص چگونگی، چرایی و زمان ترتیب روش‌های مختلف پژوهش وجود دارد. ماکسول نیز خاطر نشان می‌کند که مناقشه‌های نظری در مورد ترکیب روش‌ها مانع توجه ما به روش‌های مختلفی می‌شود که محققان واقعاً می‌توانند ترکیب کنند.

استفاده از ترکیب روش‌های کمی و کیفی به دلیل پیچیدگی مسائل هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی، نوعی میدان مین روش‌شناختی (methodological minefield) است و لازم است محققان برای ورود به این عرصه، منطق استفاده از روش‌های ترکیبی آگاه باشند؛ زیرا آشفتگی و ابهامات زیادی در بی توجهی به آن وجود دارد (McEvoy & Richards, 2006: 66). همچنین، علی‌رغم ارزش پژوهش مبتنی بر روش‌های ترکیبی، اجرای آن کار آسانی نیست. گردآوری و تحلیل داده‌های کمی و کیفی، مستلزم زمان و منابع کافی است. این امر فرایند پژوهش را پیچیده و مشکل‌تر می‌کند. مضافاً این که محققان غالباً یک روش پژوهش را آموزش می‌بینند اما روش‌های ترکیبی، مستلزم آشنایی آن‌ها با هر دو روش کمی و کیفی است (Creswell, 2003: 70).

از سوی دیگر، محققانی ترکیبی ممکن است در فهم داده‌های مغایر و ناهمساز (dissonant) حاصل از روش‌های مبتنی بر فرض‌های معرفت‌شناختی متعارض، دچار مشکل شوند؛ برای مثال، پیوند بین یافته‌های تفسیری کاملاً زمینه‌مند (contextualized) با یافته‌های کمی حاصل از

تعمیم‌های تجربی، کار دشواری است (McEvoy & Richards, 2006: 68). امکان دارد نتایج حاصل از روش‌های کمی و کیفی با همدیگر ناسازگار باشند و یا برعکس، همدیگر را تایید کنند. در هر صورت، محقق بایستی بتواند دلایل منطقی لازم برای سازگاری یا عدم سازگاری نتایج را ارائه دهد (Mertens, 2005) مسایل مطرح شده در اینجا موضوعات مهمی است؛ اما ارزش و اهمیت پژوهش مبتنی بر روش‌های ترکیبی، بر مشکلات و مسایل بالقوه پیش روی آن می‌چربد.

جمع‌بندی

اندیشه استفاده از دو یا چند روش در مطالعه پدیده‌ها سابقه‌ای بس طولانی دارد؛ اما آنچه در دهه ۱۹۹۰ تازگی داشت، مطرح شدن روش‌های ترکیبی به عنوان یک پارادایم جدید ادعا می‌شود که رهیافت ترکیبی، راه حل مناسبی برای جنگ پارادایمی است که بین طرفداران روش‌های کمی و کیفی از سال ۱۹۷۰ درگرفته است. آنچه روش‌های ترکیبی مطرح می‌کند عملاً پل زدن بین پارادایم‌ها و روش‌های بسیار متفاوتی است که محققان در مواجهه با مسائل و موضوعات پیچیده در اختیار دارند. بهترین منطق استفاده از روش‌های ترکیبی، توانایی در اتخاذ نگرش کل‌گرایانه و ارائه فهم جامع از فرایندها و نتایج است.

به نظر می‌رسد با توجه به پیشرفت‌های اخیر در نوع‌شناسی‌ها و اهمیتی که مجامع علمی و دانشگاهی و سیاست‌گذاران به این رویکرد داده‌اند، می‌توان آتیه روشنی برای آن متصور شد؛ با این شرط که تلاش‌های صورت گرفته صرفاً در سطح نظری و تیوریکی و نوع‌شناسی، باقی نمانده و ترکیب آگاهانه و هوشمندانه روش‌های کمی و کیفی عملاً در پژوهش‌های انجام گرفته در حوزه‌های مختلف علمی نمود داشته باشد. (Barbour & Barbour, 2003) با این حال، هنوز مسایل عدیده حل نشده زیادی در خصوص موضوعاتی چون مفاهیم، تعاریف، نام‌گذاری، طرح‌ها، نوع‌شناسی، شیوه ترکیب، محل ترکیب و نحوه ارزیابی (اعتبار و پایایی) پژوهش‌های ترکیبی وجود دارد. مباحث پارادایمی و پایه‌های فلسفی ترکیب روش‌ها نیز مورد بحث واقع شده و این سوال هنوز هم قابل طرح است که آیا واقعاً می‌توان پارادایم‌های مختلف را با همدیگر ترکیب و یکپارچه کرد؟ این‌که پژوهش ترکیبی، نوعی روش است یا نوعی روش‌شناسی و پرسش‌هایی از این دست، چالش‌هایی است که در سال‌های آتی پیش روی

پژوهشگران این حوزه قرار دارد.

هدف از این مقاله، معرفی بسیار اجمالی رهیافت ترکیبی بود و نگارنده امیدوار است توانسته باشد در حد توان و حوصله مقاله از عهده این مهم برآمده باشد. به نظر نگارنده، به لحاظ روش شناسی حداقل در حوزه علوم اجتماعی و جامعه شناسی در داخل کشور، شاهد گذار از روش‌های کمی و اثباتی به سوی روش‌های کیفی و تفهیمی هستیم و این امر، زمینه لازم را به کارگیری روش‌های ترکیبی مهیا می‌کند. زیرا استفاده از روش‌های ترکیبی، مستلزم اشراف کامل محققان بر هر یک از روش‌های کمی و کیفی است. اما توجه به این نکته نیز حایز اهمیت است که نباید در سایه هیچ یک از روش‌های کمی، کیفی و یا حتی ترکیبی ماند و خود را محدود به یک روش خاص نمود؛ بلکه با توجه به موضوع و پرسش پژوهشی خود و مقتضیات ناظر بر آن، باید از مناسب‌ترین روش بهره گرفته و از هرگونه تقلیل‌گرایی و مدگرایی روش‌شناختی و برخورد سطحی با آن‌ها اجتناب نمود. این که رویکرد ترکیبی می‌تواند در عمل، محدودیت‌ها و ضعف‌های روش‌های کمی و کیفی را برطرف کند، موضوعی است که در گذر زمان به آن پاسخ داده خواهد شد. با این همه و علی‌رغم تمامی مشکلات و موانع موجود، به نظر نگارنده نفس این رهیافت، بسیار جالب و نوید بخش است؛ زیرا به کمک آن می‌توان به قطب بندی‌های سنتی بین روش‌های کمی و کیفی خاتمه داد و به معرفت جامع تر و عمیق تری از پدیده‌های مورد بررسی دست یافت.

منابع

- استراوس، آنسلم؛ کوربین جولیت. ۱۳۸۵. اصول و روش تحقیق کیفی: نظریه مبنايي رویه‌ها و شیوه‌ها، ترجمه بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- بلیکی، نورمن. ۱۳۸۴. طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.
- پاک سرشت، محمد جعفر. ۱۳۸۴. پژوهش کیفی: ریشه‌ها و مبانی نظری، نامه علوم انسانی، تابستان و پاییز ۸۴.
- حریری، نجلا. ۱۳۸۵. اصول و روش‌های پژوهش کیفی، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- ذکایی، محمد سعید. ۱۳۸۱. نظریه و روش در تحقیقات کیفی، فصلنامه علوم اجتماعی

- سید امامی، کاوس. ۱۳۸۴. گوناگونی روش شناختی در علوم اجتماعی و ضرورت عنایت به آن در طراحی و ارزیابی پروژه‌های پژوهشی، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال بیستم شماره پنجم و ششم.

- عابدی، حیدر علی. ۱۳۸۵. تحقیقات کیفی، فصلنامه علمی و تخصص حوزه و دانشگاه سال ۱۲، شماره ۴۷.

- Amaratuga. D., Baldry. D., Sarshar M., & Newton R. 2002. Quantitative and qualitative research in the built environment; application of mixed research approach. Work study. Vol 51, N1, pp17-31.

- Barbour, R.S., & Barbour, M. 2003. Evaluating and synthesizing qualitative research: the need to develop a distinctive approach. Journal of Evaluation in Clinical Practice, Vol 9, N2, 179-186.

- Bryman, A 1988 Quantity and Quality in Social Research. Routledge, London.

- Bryman, A. 2007. Barriers to Integrating Quantitative and Qualitative Research Journal of Mixed Methods Research. 1. 8

- Campbell, R., & Wasco, S.M. 2000. Feminist approaches to social science: Epistemological and methodological tenets. American Journal of community psychology. Vol 28. Issue 6.

- Carr, L. T. 1994. The strengths and weaknesses of quantitative and qualitative research: what method for nursing? Journal of Advanced Nursing. 20, 716-721.

- Christensen, L.B., & Johnson, B. 2004. Educational research: qualitative, quantitative and mixed approaches. Printed in United States, 2nd edition. Available from:

"<http://www.southalabama.edu/coe/bset/johnson/2lectures.htm>"

<http://www.southalabama.edu/coe/bset/johnson/2lectures.htm>

- Creswell, J. W. 2003. Research design: Qualitative, Quantitative and mixed

Methods approaches. Thousand Oaks, CA: Sage

- Denzin, N. K & Lincoln, Y. S. 1994. Handbook of qualitative research methods. Newbury park, CA.

- Denzin, N.K., & Lincoln, Y.S. 2003. Strategies of qualitative inquiry. Sage Publications, Inc; 2nd edition.

- Devault, M, L. 1996. Talking back to sociology: distinctive contributions of feminist methodology. Annual review of sociology, 22: 29-50.

- Krauss, E. S. 2005, Research Paradigms and Meaning Making: A Primer. The Qualitative Report. Vol 10, N 4, 758-770.

- Firestone, W. 1987. Meaning in method: the rhetoric of qualitative and quantitative research, educational researcher. Vol 16, N7, pp 16-21

- Giddings, L. 2006. Mixed-methods research: positivism dressed drag. Journal of research in nursing, 11(3), 195-203.

- Golafshani, N. 2003. Understanding Reliability and Validity in Qualitative Research. The Qualitative Report, Vol 8, N 4, 597-607

- Hammersley, M. 1996. The relationship between qualitative and quantitative research: paradigm loyalty versus methodological eclecticism. In J. T. E. Richardson (Ed.) Handbook of Qualitative Research Methods for Psychology and the Social Sciences, pp. 159 174. Leicester: BPS Books

- Higginbottom, G. M. A. 2006. Sampling issues in qualitative research, Nurse Researcher, V 12. N1.

- Hjörland, B. 2004. Empiricism, rationalism and Positivism in library and information science. Journal of Documentation. Vol 61, N1, pp 130-155.

- Hoepfl, M. 1997. Choosing qualitative research: A primer for technology education researchers. Journal of technology education. V9. N1.

- Holliday, A. 2002. Doing and writing qualitative research. Thousand Oaks, CA:

Sage

- Johnson, B., & Onwuegbuzie, A. 2004. Mixed Methods Research: A Research Paradigm Whose Time Has Come, *Educational Researcher*, Vol. 33, No. 7, pp.14-26.
- Labuschagne, A. 2003. Qualitative Research - Airy Fairy or Fundamental? The Qualitative Report. Vol 8, N1, 100-103.
- Leahey, E. 2007. Convergence and Confidentiality? Limits to the implementation of mixed methodology. *Social Science Research*. 36: 149-158.
- Mason, J. 2006. Mixing methods in a qualitatively driven way. *Qualitative Research*. Vol 6(1), 9-25.
- Maxim, P. S. 1999. *Quantitative research methods in the social sciences*, Oxford university press, Inc.
- McEvoy, P. & Richards, D. 2006. A critical realist rationale for using a combination of quantitative and qualitative methods. *Journal of Research in Nursing*, V11, N66.
- Mertens, DM. 2005. *Research and evaluation in education and psychology: integrating diversity with qualitative, quantitative and mixed methods*. Sage Publications, Inc; 2nd edition.
- Morgan, D. L. 1998. Practical strategies for combining qualitative and quantitative methods: Applications for health research. *Qualitative Health Research*. 8: 362-76.
- Onwuegbuzie, A. J., & Leech, N. L. 2005. On Becoming a Pragmatic Researcher: The Importance of Combining Quantitative and Qualitative Research Methodologies. *Int. J. Social Research Methodology*, Vol 8, No 5, pp375-387.
- Poggenpole M., Myurgh C. P. H & Linde C. V. D. 2006. Qualitative research strategies as prerequisite for quantitative strategies, *education*, V 122. N2.
- Rossman, G. B., & Wilson, B.L. 1985. Numbers and Words: Combining Quantitative and Qualitative Methods in a Single Large-Scale Evaluation Study,

Evaluation Review, 9, 627

- Sale J., Lolfeld L., Brazil K. 2002. Revisiting the Quantitative-Qualitative Debate: Implications for Mixed-Methods Research. *Quality & Quantity*. 36:43-53.

- Sells, S. P., Smith, T. E., Sprenkle DH 1995. Integrating Qualitative and Quantitative Research Methods: A Research Model. *Fam Proc*, 34:199-218

Silverman, D. 1998. Qualitative research; meaning and practices? *Information System Journal*. 8, 3-20.

- Tashakkori, A., & Teddlie, C. (Eds.). 2003. *Handbook of Mixed Methods in Social & Behavioral Research*. Thousand Oaks, CA: Sage

- Vishnevesky, T, & Beanlands, H. 2004. Qualitative research, nephrology nursing journal, Vol 1 31. N2.

- Westmarland, N. 2001. The qualitative/quantitative debate and feminist research: A subjective view of objectivity. *Qualitative social research*, Vol 2, N 1.

- Creswell, J.W, Plano Clark, V.L., Gutmann, M., & Hanson, W. 2003. Advanced mixed method research design. In A, Tashakkori X C. Teddie. (Eds.), *Handbook of mixed method in social and behavioral research*. Thousand Oaks, CA: Sage.